



<https://jhr.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Historical Researches

E-ISSN: 2476-3306

Document Type: Research Paper

Vol. 15, Issue 4, No.60, Winter 2024

Received: 16/10/2023

Accepted: 09/03/2024

## Hunting with Ghoosh (Peregrine Falcon) in the Qajar era and its Functions

**Farzad Khoshab**

Ph.D. Student, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran

Farzad.69.fk@gmail.com

**Jafar Aghazadeh** 

Associate Professor, Department of History, Faculty of Social Science, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

j.agazadeh@uma.ac.ir

### Abstract

In the Qajar era, hunting was one of the common ways of entertainment. During this period, the king and his family members and the governors of some regions were very interested in hunting and hunted in various ways. In the meantime, hunting with peregrine falcons had a special place in the pastime of courtiers and nobles, especially during the era of Naser al-Din Shah Qajar. In this research, using the descriptive-analytical method, we seek to answer the following research question: What was the position and function (individual and social) of hunting with a goat in the Qajar period? The findings of the research show that those who were able to buy hunting birds by spending a lot of money, hired skilled bird hunters to prepare them for all kinds of hunting on the hunting grounds. Due to the high costs and difficulties related to training and maintaining the falcon, this method of hunting had become one of the most difficult methods of hunting, and only kings, governors, and princes were able to do this type of hunting on a large scale. Hunting with a hawk was used for purposes such as fun and entertainment and to show the greatness and skill of an individual in hunting.

**Keywords:** Qajar Era, Ghoosh (Peregrine Falcon), Ghooshchi, Kings, Function.

---

\*Corresponding author

2476-3306 © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



[10.22108/JHR.2024.139469.2590](https://doi.org/10.22108/JHR.2024.139469.2590)

## **Introduction**

Ghoosh (Peregrine Falcon) or the so-called hunting bird has different types and species. They are divided into two categories: yellow-eyed and black-eyed. In the Qajar era, these types of hunting birds were hunted in different ways, such as catching them by skilled hunters and other trained hunting birds. They were rarely purchased in the bird market. Each of the hunting birds, such as Falcon and Tarlan, was skilled in hunting and catching some animals, and this depended on the skills of their owners. In this era, the importance of hunting with falcons led to the creation of a position called "Ghooschi", whose main duty was to take care of the royal hunting birds. He also used special tricks to prepare and train them for hunting, including how to fly the hunting birds, how to track prey and the hunting bird's reaction after the hunt.

## **Materials and Methods**

In this descriptive-analytical study, hunting by birds in the Qajar era and its functions are investigated using library sources. In this method, which took a long time, the Ghooschi had to consider the best way to hunt the hunting bird and train it. For this reason, due to its difficulties, hunting with a hunting bird had taken on a more royal form, and the general public was not able to do this type of hunting.

## **Research Findings**

During the Qajar period, hunting was popular among different groups of Iranian people with various functions, especially livelihood. In the meantime, hunting with a peregrine falcon had special importance and place as one of the methods of hunting in the Qajar era. However, this method of hunting was very special and different from other traditional methods of hunting, and it required certain restrictions and conditions. First, the hunting birds that were used for hunting were not easily accessible, although some species were native to Iran, powerful hawks were generally imported from outside the borders. Second, hiring skilled hunters and spending a lot of money on training them created a lot of problems and financial burdens for the owners of hunting birds, even though with the spread of new hunting rifles, the hunting of various species of animals was very easy and extensive. Therefore, hunting with a peregrine falcon was very expensive, time-consuming, difficult, low-yield, and required a lot of preparation and skills. For this reason, hunting with a peregrine falcon was more common among the members of the royal family and the upper groups of the society.


## **Discussion of Results and Conclusions**

Although during the era of the early Qajar kings, hunting peregrine falcons was popular, Naser al-Din Shah Qajar, who devoted a large part of his life and recreation to hunting, was also skilled at hunting with peregrine falcons, so his reign can be considered the peak period in this regard. During the period of the following kings, this type of hunting fell off. On the other hand, some princes and governors were also skilled in this work and spent exorbitant costs on peregrine falcon breeding. During the Qajar period, hunting with peregrine falcons lost its livelihood function to a large extent. In addition to the aspect of entertainment and recreation, this method of hunting had various functions in terms of social and individual status for those who practiced it. In terms of social status, the public's lack of ability to maintain, train, and use peregrine falcons was considered a privilege for the owners of these types of hunting birds, and it was a kind of display of their wealth and greatness. In terms of individual status, due to the difficulties related to hunting with peregrine falcons, those who had this skill used it to show their art and skill.

## شکار با قوش در عصر قاجار و کارکردهای آن

فرزاد خوش‌آب، دانشجوی دکترای گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

Farzad.69.fk@gmail.com

جعفر آقازاده<sup>۱</sup> ، دانشیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

J.agazadeh@uma.ac.ir

### چکیده

در عصر قاجار، شکار و شکارگری یکی از شیوه‌های متداول تفریح و سرگرمی محسوب می‌شد. در این دوره، شاه و اعضای خاندانش و حکام برخی مناطق، علاقه فراوانی به صید داشتند و به شیوه‌های متنوعی شکار می‌کردند. در این میان شکار با قوش، جایگاه ویژه‌ای در گذراندن اوقات درباریان و اعیان، به‌خصوص در عصر ناصرالدین‌شاه قاجار داشت. در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی، به دنبال پاسخگویی به این پرسشیم که شکار با قوش، چه جایگاه و کارکردی (فردی و اجتماعی) در دوره قاجار داشت؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد قوش‌های شکاری در عصر قاجار، گونه‌های مختلفی داشتند و به راحتی قابلیت دسترسی نداشتند؛ به همین علت کسانی که با صرف هزینه‌های زیاد، قادر به تهیه پرندگان شکاری بودند، با استخدام قوشچی‌های ماهر، آنها را برای انواع شکار در شکارگاه مهیا می‌کردند. به دلیل هزینه‌های گزاف و سختی‌های مربوط به تعلیم و نگهداری از قوش، این شیوه شکار به یکی از سخت‌ترین شیوه‌های شکار تبدیل شده بود و تنها پادشاهان، حکام و شاهزادگان به‌طور گسترده، قادر به انجام این نوع شکار بودند. شکار با قوش در راستای اهدافی همچون تفریح و سرگرمی و نمایش بزرگی و مهارت فردی در شکار به کار گرفته می‌شد.

واژه‌های کلیدی: دوره قاجار، قوش، قوشچی، پادشاهان، کارکرد.

\* نویسنده مسئول



## ۱. مقدمه

شکار گونه‌های مختلف حیوانی در بین گروه‌های گوناگون مردم، به‌ویژه پادشاهان ایران در دوره باستان، بسیار رایج بود و کارکردهای متنوع معیشتی، تفریحی و نمایشی داشت. در دوره اسلامی نیز، شیوه‌های متنوع شکار توسعه یافت و به یک سنت مرسوم تفریحی در دربار سلاطین تبدیل شد. منابع عصر قاجار هم، از شکار به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سرگرمی‌های این دوره یاد کرده‌اند که گروه‌های مختلف جامعه، به آن مبادرت می‌کردند. در این میان شاهان قاجار، به‌ویژه فتحعلی شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ هـ ق) و ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ هـ ق) توجه فراوانی به این سنت باستانی داشتند و بخش مهمی از زندگی خود را به شکار مشغول بودند. آنچه تا حدود زیادی درباره شکار و انواع آن در این دوره مبهم و مجهول باقی مانده است، یکی از گونه‌های خاص صید، یعنی شکار با پرندگان شکاری موسوم به قوش است. این در حالی است که شکار با قوش یکی از شیوه‌های مهم شکار و تفریح در این دوره به حساب می‌آمد و علاقه‌مندان خاص خود را داشت. در تضاد با شکار از طریق تفنگ که شیوه مرسوم و سهل‌الوصول شکارگری در این دوره بود، شکار با قوش مستلزم مقدمات و سختی‌های فراوان از جمله تهیه پرندۀ شکاری، استخدام قوشچی، تعلیم قوش و محدودیت‌ها و شرایط خاص شکار با آن بود که این نوع شکار را به سخت‌ترین و پرهزینه‌ترین نوع شکار تبدیل کرده بود؛ بنابراین صید با قوش، امری مرسوم و متداول در میان گروه‌های مختلف مردم در دوره قاجار نبود، بلکه بیشتر تفریحی اعیانی و شاهانه بود که علاقه‌مندان زیادی در دوره قاجار، به‌ویژه در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه داشت.

هدف پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل انواع قوش، تعلیم آنها، چگونگی و جزئیات شکار با قوش،

کارکردهای مختلف آن و گروه‌های درگیر این نوع شکار است. این مطالعه به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد که پرندگان شکاری در دوره قاجار چگونه تهیه و به چه ترتیبی برای شکار مهیا می‌شدند. شکار با قوش در بین کدام گروه‌ها رواج بیشتری داشت و شکار با قوش، چه جایگاه و کارکردی (فردی و اجتماعی) در این دوره داشت؟

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی درباره شکار و شکارگری سلطنتی در عصر قاجار، انجام شده است، اما در آنها شکار با قوش چندان بررسی نشده است. قنبری و خزایی (۱۴۰۱) در مقاله «تحلیلی بر عوامل مؤثر بر شکار، اهداف و کارکردهای آن در عصر ناصری»، شیوه‌ها، ابزارهای شکار و کارکردهای آن را در عصر ناصرالدین‌شاه بررسی کرده‌اند. خزایی و قنبری (۱۴۰۰) در مقاله دیگری با عنوان «فرق و امنیت شکار در عصر ناصری»، شیوه‌ها و کارکردها قرق را در دوره ناصرالدین‌شاه واکاوی کرده‌اند. قنبری و طولابی (۱۳۹۹)، در مقاله «شکار حیوانات توسط اشراف قاجار و پیامدهای زیست‌محیطی آن»، نقش ساختار قدرت را در از بین بردن گونه‌های ارزشمند جانوری از طریق شکار بررسی کرده‌اند. آدینه‌وند و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیل پدیده شکار سلطنتی در عصر قاجار»، جایگاه شکار را در نزد برخی از شاهان قاجار، به‌ویژه فتحعلی شاه، ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین شاه و نیز پیامدهای شکار سلطنتی را بررسی کرده‌اند. فریدی (۱۴۰۲) در کتاب شکار در دوره قاجار از ابتدا تا پایان دوره ناصری (۱۳۱۳-۱۲۱۰)، پدیده شکار را در عصر قاجار بررسی کرده و به‌صورت گذرا، اشاراتی به شکار با قوش داشته است؛ بنابراین هیچ‌یک از پژوهش‌های مذکور، به شکار با

شکار در عصر قاجار بود که ایرانیان در آن مهارت زیادی داشتند (دوراند، ۱۳۴۶؛ خودزکو، ۱۳۵۴؛ مکنزی، ۱۳۵۹). شکارچیان ایرانی مجهز به تفنگ‌هایی بودند که لوله آنها بسیار دراز و قطر لوله بسیار گشاد بود. آنها برای تیراندازی باید چخماق و فتیله‌ای را روشن می‌کردند که با وجود مشکلات زیاد در این زمینه، مهارت زیادی در شکار پرندگان هنگام پرواز داشتند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴؛ تانکووانی، ۱۳۸۳). همچنین قادر بودند هدف خود را سوار بر اسب، نابود کنند (موریه، ۱۳۸۵). درنهایت یکی از شکارهای اعیانی، به‌کارگیری و تعلیم قوش‌های گوناگون برای شکار بود که محبوبیت خاصی در میان درباریان و اشراف داشت (تیمور میرزا قجار، ۱۳۰۷).

#### ۴- انواع قوش‌های شکاری و نحوه به دست آوردن آنها در دوره قاجار

یکی از شیوه‌های مرسوم شکار در دوره قاجار، با پرندگان شکاری موسوم به قوش انجام می‌گرفت. قوش در اصطلاح به هر نوع پرنده شکاری اطلاق می‌شود و انواع گوناگونی دارند (دهخدا، ۱۳۷۷). پرندگانی که برای شکار دیگر حیوانات به کار گرفته می‌شدند، به دو دسته تقسیم می‌شدند: دسته اول گروه زردچشم‌ها و دسته دوم گروه سیاه‌چشم‌ها را شامل می‌شد (تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷؛ اوین، ۱۳۶۲). قوش‌های زردچشم عموماً برای شکار پرندگان کوچک و قوش‌های سیاه‌چشم برای صیدهای بزرگ مناسب بودند (دالمانی، ۱۳۷۸). نحوه دست‌رسی به گونه‌های مختلف پرندگان شکاری متفاوت بود و آنها را از راه‌های مختلفی به دست می‌آوردند. در این دوره قوش‌های شکاری که

قوش، مقدمات لازم برای آن و کارکردهای آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شیوه‌های شکار در این دوره اشاره نکرده‌اند. موضوع حاضر، از این نظر نوآوری دارد که تحلیل جامعی از ابعاد و جزئیات مربوط به شکار با قوش و کارکردهای آن را در جامعه عصر قاجار ارائه می‌کند.

#### ۳. شیوه‌های شکار در عصر قاجار

شکار یکی از تفریح‌های رایج ایرانیان در عصر قاجار به حساب می‌آمد و با روش‌های مختلفی انجام می‌شد. شکار با سگ‌های موسوم به تازی در این دوره، از محبوبیت زیادی برخوردار بود (ویلز، ۱۳۶۸؛ تانکووانی، ۱۳۸۳). از سگ‌های تازی بیشتر به‌منظور شکار خرگوش، گراز و آهو استفاده می‌کردند (دروویل، ۱۳۶۵؛ مکنزی، ۱۳۵۹؛ خودزکو، ۱۳۵۴). نوع دیگری از شکار در ایران، با تعبیه تله توسط صیادان انجام می‌شد (موریه، ۱۳۸۵). این نوع شکار بیشتر در نواحی مازندران و گیلان متداول بود و از این طریق پلنگ، گربه وحشی و شغال شکار می‌شد (دروویل، ۱۳۶۵). در مواقعی نیز صیادان برای شکار پرندگان، از کمان استفاده می‌کردند (فریزر، ۱۳۶۴). کمین کردن یکی دیگر از شیوه‌های مرسوم شکار در عصر قاجار بود که برای صید گونه‌های خاصی همچون گورخر، انجام می‌شد؛ به این ترتیب که پس از خسته کردن صید، آنها در دام صیادان کمین کرده گرفتار می‌شدند (موریه، ۱۳۸۵). در این دوره از روش مرسوم به شکار جرگه نیز، استفاده می‌شد (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۸؛ معیرالممالک، ۱۳۶۱). در این نوع شکار، شکارچی‌های سوار بر اسب، شکارهای مدنظر را به‌سمت سوارهای تازه‌نفس هدایت می‌کردند و آنها را به دام می‌انداختند (موریه، ۱۳۸۵). شکار با اسلحه، یکی از عمومی‌ترین شیوه‌های

پیشکش بود (ناصرالدین شاه، ۱۳۹۵؛ ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۷ الف).

شُنقار: شُنقار به پادشاه پرندهگان شکاری معروف بود؛ به طوری که جز شاهین، هیچ قوشی قدرت و سرعت آن را نداشت (تیمور میرزای قاجار، ۱۳۰۷). این پرنده شکاری نیز در قالب پیشکش به شاهان قاجار داده می‌شد (همان‌جا)؛

۵- پیغو: پرنده‌ای شکاری و مجهز به چنگال‌های قوی بود که در عصر قاجار و در سراسر ایران به وفور دیده می‌شد (اوبن، ۱۳۶۲)؛

۶- بالابان: این پرنده شکاری چندین نوع مختلف داشت، گونه‌های مختلف آن در کردستان (دالمانی، ۱۳۷۸)، لرستان، کرمانشاه (معیرالممالک، ۱۳۶۱) و بوشهر (موریه، ۱۳۸۵) وجود داشت.

یکی از شیوه‌های معمول برای به دست آوردن قوش‌های شکاری، صید آنها به وسیله قوش‌های قدرتمند بود (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۷)؛ به این ترتیب که صیادان نوعی شاهین را برای شکار قوش‌های شکاری کوچک‌تر تربیت می‌کردند. در چنین شرایطی، شاهین با معطل کردن شکار، آن را به دام صیاد می‌انداخت (دوسرسی، ۱۳۶۲). گاهی نیز به طور اتفاقی، بازهای تربیت‌شده را در بازار و به معرض فروش می‌گذاشتند که هریک از آنها قیمت‌های متفاوتی داشتند (دالمانی، ۱۳۷۸). قوش‌های شکاری معمولی در عصر قاجار، ۱۵ تا ۲۰ تومان قیمت داشتند، اما برخی از قوش‌ها به‌ویژه از نوع طرلان، که یکی از نایب‌ترین و ممتازترین پرندهگان شکاری بودند، از ۸۰ تا ۱۰۰ تومان قیمت‌گذاری می‌شدند (اوبن، ۱۳۶۲).

قابلیت دسترسی داشتند،\* عبارت بودند از:

۱- قرقی: قرقی پرنده شکاری است که قادر بود، کبک و تیهو را صید کند. معمولاً در عصر قاجار این پرنده را با ترندهای خاصی از آشیانه می‌گرفتند (تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷؛ میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵)؛

۲- شاهین: این پرنده شکاری شامل سه نوع زرد، سیاه و سفید بود که بهترین نوع آن در سه منطقه ارز روم عثمانی، جبل شمر در راه مکه و اردبیل یافت می‌شد (تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷). شاهین با وجود وفور در اردبیل، گاهی از طریق پیشکشی حکام (معیرالممالک، ۱۳۶۱) و همچنین از طریق تاتارستان به ایران وارد می‌شد. این پرنده شکاری با یک پرواز بلند از دریای خزر عبور می‌کرد و خود را به سواحل ایران می‌رساند، اما به محض رسیدن به ساحل به دلیل خستگی زیاد که ناشی از پرواز طولانی مدت بود، به راحتی در دام صیادان اسیر می‌شد و امرا و بزرگان آن را به قیمت گزافی می‌خریدند (دوسرسی، ۱۳۶۲)؛

۳- طرلان: این پرنده شکاری سه نوع زرد، سفید و سیاه داشت که مهم‌ترین ویژگی آن طمع، حرص و طاقت زیاد در شکار بود (تیمور میرزای قاجار، ۱۳۰۷). طرلان یکی از قوی‌ترین پرندهگان شکاری بود که بومی ایران نبود؛ از این رو این گونه را از فرنگ (معیرالممالک، ۱۳۹۰) و یا ممالک اطراف به ایران وارد می‌کردند (هدایت، ۱۳۸۵؛ اوبن، ۱۳۶۲)؛

۴- قزل: قزل‌ها سه نوع زرد، سفید و سیاه داشتند که برای هر شکاری مناسب بودند (تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷). این پرنده شکاری به صورت خیلی محدود در جنگل‌های مجاور دریای خزر یافت می‌شد (میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵). نحوه دسترسی شاهان قاجار به این پرنده شکاری بیشتر در قالب

\* برای آگاهی از انواع دیگر قوش‌های شکاری، رجوع کنید به (تیمور میرزای قاجار، ۱۳۰۷).

## ۵- آداب و اصول تعلیم قوش برای شکار

در دوره قاجار به کسانی که وظیفه نگاهداری، محافظت و تعلیم و تربیت قوش‌های شکاری را بر عهده داشتند، قوشچی می‌گفتند و اشخاصی که این منصب را در دربار بر عهده می‌گرفتند، قوشچی‌باشی (رئیس قوشچی‌های سلطنتی) نامیده می‌شدند (بروگش، ۱۳۷۴). در این دوره، تعداد زیادی از قوشچی‌های ماهر و متخصص در تعلیم پرندگان شکاری وجود داشتند (فلاندن، ۱۳۵۶). هر قوش شکاری، قوشچی مخصوصی برای تعلیم آداب شکار داشت (ژوبر، ۱۳۲۲) و به‌ندرت برخی از پرندگان شکاری به قوشچی نیاز نداشتند (تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷). مهم‌ترین وظایف قوشچیان سلطنتی در عصر قاجار، تهیه، نگاهداری و تیمار قوش‌های سلطنتی (دروویل، ۱۳۶۵؛ تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷)، تعلیم و آموزش آنها برای شکار انواع مختلف حیوانات (ژوبر، ۱۳۲۲؛ موریه، ۱۳۸۵؛ تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷) و همراهی شاه در شکار با قوش بود (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۵؛ ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ الف). از معروف‌ترین قوشچی‌های عصر ناصری، به‌علاءالدوله، امیرخان سردار، محمدابراهیم‌خان صدیق خلوت معروف به چرتی، دوست‌محمدخان معیرالممالک، دوست‌علی‌خان معیرالممالک (معیرالممالک، ۱۳۶۱) و تیمور میرزا اشاره می‌شود (تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷).

پس از به دست آوردن قوش‌ها، ابتدا اسم‌های خاصی چون شیب (جوان)، عاجل (تند)، حریص (اوبن، ۱۳۶۲)، ایلدروم (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۷)، جوره (قاضی‌ها، ۱۳۹۰)، شامار و شاه‌پسند (معیرالممالک، ۱۳۶۱) بر آنها نهاده می‌شد؛ پس از آن بلافاصله چشم‌های قوش را می‌دوختند (تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷؛ ژوبر، ۱۳۲۲) و کلاهی مخصوص بر سرش

می‌گذاشتند تا پس از گشودن چشمانش در مقابل روشنایی، احساس ترس نکند (اوبن، ۱۳۶۲). در مواقعی به‌منظور آماده‌کردن و تمرکز برخی از قوش‌ها بر شکار، چشم چپ آنها را کور می‌کردند (تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷).

پس از انجام این رویه، قوش را با طعمه‌های دستی سیر می‌کردند (ژوبر، ۱۳۲۲؛ دالمانی، ۱۳۷۸) و برای آشنایی با محیط اطراف و جلوگیری از خستگی و افسردگی، قوش را روزانه در کوچه و بازار می‌چرخاندند (اوبن، ۱۳۶۲؛ تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷). یکی از اصول مهم در تعلیم قوش‌های شکاری، آماده‌کردن قوش برای شکار بود. در این زمینه قوش می‌بایست طعمه را به شیوه‌های خاصی در اختیار قوش قرار می‌داد. او ابتدا تکه گوشتی را جلوی قوش می‌گرفت و به‌گونه‌ای عمل می‌کرد که قوش تنها از دست او غذا بگیرد، به‌طوری که با انجام‌دادن این کار به‌صورت روزان، قوش را برای شکار آماده و حریص می‌کرد (دالمانی، ۱۳۷۸؛ تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷). از طرفی عادت‌دادن قوش به اسم انتخاب‌شده برای تسهیل در امر شکار، اصل دیگری بود که قوشچی باید آن را با مهارت به قوش شکاری می‌آموخت (تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷)؛ از این رو قوشچی هنگام غذا دادن به قوش، او را هم‌زمان صدا می‌زد تا در زمان شکار، طعمه را با شنیدن اسم مخصوص خود دنبال کند (ژوبر، ۱۳۲۲).

انجام تعلیم قوش‌ها درباره گونه‌های مختلف آنها متفاوت بود؛ به‌طوری که تربیت بازهای سیاه‌چشم ۲۰ روز و تربیت بازهای زردچشم، مدت‌زمان بیشتری را می‌طلبید (اوبن، ۱۳۶۲). با در نظر گرفتن مهارت قوشچی‌ها، به‌طور طبیعی باید قوش را بعد از چهل روز، از ترس اسب و سگ، ایمن و در گرفتن انواع شکار ماهر می‌کردند (تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷).

بودند. یکی از مسائل مهم درباره شکار قوش این بود که شکار سالم به دست صیاد برسد و قوش از آن تغذیه نکند، امری که تا حدودی در عصر قاجار لاینحل مانده بود (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ج؛ پولاک، ۱۳۶۸). هرچند این عمل درباره زردچشمان بیشتر صدق می‌کرد (اوبن، ۱۳۶۲)؛ بنابراین صیادان تمهیدات خاصی را برای به دست آوردن شکار سالم از چنگ قوش‌ها انجام می‌دادند (پولاک، ۱۳۶۸؛ دوسرسی، ۱۳۶۲؛ فلاندن، ۱۳۵۶). همچنین قوشچی‌ها درباره آموزش تند پریدن یا کندپریدن قوش‌ها و جرئت و جسارت دادن به آنها در شکار، عاجز بودند (تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷).

#### ۶- نحوه انجام شکار با قوش

انتخاب نوع قوش برای شکار اهمیت زیادی داشت و برخی از قوش‌ها برای شکارهای خاصی تعلیم می‌شدند؛ برای نمونه برخی قوش‌ها برای شکار خرگوش و غزال (فلاندن، ۱۳۵۶؛ قاضی‌ها، ۱۳۹۰)، تعدادی همچون شاهین برای صید پرندگان شکاری کوچک (دوسرسی، ۱۳۶۲) و شکارهای بزرگ تعلیم داده می‌شدند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴؛ تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷). در برخی مناطق مانند مازندران، از بحری برای شکار اردک و در کرمانشاه از ترمتای برای شکار تیهو استفاده می‌شد (دالمانی، ۱۳۷۸؛ اوبن، ۱۳۶۲). هرچند برای شکارهای مختلف از قوش‌های خاصی استفاده می‌شد، اما به نظر می‌رسد نحوه پرواز دادن آنها برای شکار تقریباً یکسان بوده است. زمانی که صیادان به شکار با قوش اقدام می‌کردند، آنها را روی دست راست خود نگه می‌داشتند و برای انجام این کار، دستکش درازی می‌پوشیدند (دروویل، ۱۳۶۵؛ موریه، ۱۳۸۵؛ فلاندن، ۱۳۵۶)؛ سپس برای اینکه بر قوش‌های تعلیم‌شده تسلط بیشتری داشته

صیادان همچنین می‌بایست از شکارهای کوچک با قوش‌های قوی و جسور جلوگیری می‌کردند (همان‌جا). صیاد برای مهارت قوش در انواع شکارها، نباید از هیچ شکاری اعم از حلال‌گوشت و حرام‌گوشت چشم‌پوشی می‌کرد (تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷). یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در مهیاکردن پرندگان وحشی برای شکار، آگاهی از وضعیت جسمانی آنها بود؛ به طوری که ناآگاهی و تخصص در این زمینه، مقدمات نابودی آنها را فراهم می‌کرد (همان‌جا). اگر قوش‌ها تحت نظر قوشچی‌های ماهر آموزش می‌دیدند، متوسط کارایی آنها برای شکار ۱۲ سال (دالمانی، ۱۳۷۸) و طول عمرشان به ۲۵ تا ۳۰ سال می‌رسید (تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷).

قوشچی‌ها برای صید انواع حیوانات توسط قوش‌ها، روش‌های مختلفی را به آنها آموزش می‌دادند:

۱. اگر قوش‌ها برای شکار غاز وحشی تربیت می‌شدند، باید به آنها آموزش می‌دادند تا به صورت عمودی زیر شکار حرکت و شکم شکار را به راحتی پاره کنند؛
۲. اگر قوش‌ها (معمولاً شاهین) برای شکار عقاب تربیت می‌شدند، باید خط موربی را سیر می‌کردند تا به محض رسیدن به طعمه، چشمانش را از بالا بدرند؛
۳. قوشی که برای شکار خرگوش، غزال و گوزن تربیت می‌شد، باید بر سر حیوان حمله می‌کرد و با گیج کردن آن منتظر رسیدن صیاد می‌ماند (ژوبر، ۱۳۲۲)؛
۴. قوشی که برای شکار قوش‌های کوچک‌تر تربیت می‌شد، باید پس از نزدیک‌شدن به طعمه از طریق افزایش سرعت بال‌زدن، شکار را گیج می‌کرد تا شکارچی آن را صید کند (دوسرسی، ۱۳۶۲).

هرچند قوشچی‌ها در تربیت قوش‌ها مهارت داشتند، اما در تعلیم دادن برخی اصول به آنها عاجز



از خورده‌شدن شکار به‌وسیله قوش شوند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴؛ اوین، ۱۳۶۲). روش دیگر صیادان این بود که پس از پرواز قوش، تازی‌های شکاری را رها می‌کردند تا شکار قوش‌ها را جمع‌آوری کنند (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۸؛ اورسل، ۱۳۸۲). اگر تازی‌ها قبل از قوش رها می‌شدند، چه‌بسا برخی از قوش‌های جسور، مانند بالابان شکار را رها و به تازی‌ها حمله می‌کردند که در این صورت امکان از بین رفتن آنها زیاد بود (تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷). به‌جهت حفظ انگیزه قوش برای شکارهای بعدی، قسمتی از گوشت شکار را طعمه او می‌کردند (اوین، ۱۳۶۲؛ قاضی‌ها، ۱۳۹۰). به‌سبب جلوگیری از خستگی و آماده نگه داشتن قوش برای شکار، از پرواز دادن قوش‌هایی همچون قرقی، پیغو، تیقون، قزل و طرلان، بیش از پنج بار در روز خودداری می‌کردند (تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷). بازگرداندن قوش‌ها بعد از شکار، کار دشواری بود که صیادان بر این قضیه اشراف داشتند. آنها هنگام شکار، مرغی را به‌صورت پنهانی در توبره‌ای با خود حمل می‌کردند تا به‌وسیله آن، قوش را به‌سمت خود سوق دهند؛ به این صورت که با نشان دادن طعمه، قوش نه از روی الفت، بلکه به‌واسطه حرص و ولع روی دست صیاد می‌نشست (دروویل، ۱۳۶۵).

قوش‌ها مهارت حیرت‌انگیزی در شکار داشتند و به‌ندرت شکار خود را از دست می‌دادند (همان‌جا). فلانندن (۱۳۵۶) در این باره اذعان می‌کند: «هیچ شکاری نیست که به دام این بازها نیفتد»؛ اما قوش‌ها تنها زمانی شکار خود را از دست می‌دادند که صیادان به‌طور اتفاقی متوجه شکار می‌شدند و پوشش قوش‌ها را باعجله برمی‌داشتند؛ زیرا از قبل روی شکار تمرکز نداشتند و همین عامل کافی بود تا شکارشان را گم کنند (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۶۷ و ناصرالدین‌شاه

باشند، با ریسمانی محکم پنجه آنها را به دستکش متصل می‌کردند (دروویل، ۱۳۶۵؛ فلانندن، ۱۳۵۶). آنها همچنین برای تسلط و تمرکز قوش بر شکارهای مدنظر، سر و چشمش را با کلاهی می‌پوشاندند (موریه، ۱۳۸۵). این پوشش که باشلق نام داشت، نوعی کلاه قرمز کوچک بود که گاهی حاشیه‌های آن را با سنگ‌های قیمتی و طلا تزئین می‌کردند (فلانندن، ۱۳۵۶). پس از انجام این مراحل، صیادان با مشاهده اولین شکار، آن را به‌آرامی محاصره می‌کردند (دروویل، ۱۳۶۵)؛ سپس برای انجام شکار، پوشش قوش‌ها را در جهت موافق باد باز می‌کردند (موریه، ۱۳۸۵؛ فلانندن، ۱۳۵۶). همچنین برای تمرکز قوش در شکار، هم‌زمان دست راست خود را بلند می‌کردند تا قوش بتواند شکار خود را ببیند (دروویل، ۱۳۶۵). با توجه به اینکه قوش‌ها را قبل از شکار گرسنه نگه می‌داشتند (ژوبر، ۱۳۲۲)، آنها با سرعت زیاد و حرص و ولع حیرت‌انگیزی به شکار حمله‌ور می‌شدند و با تمام قدرت، شکار خود را با چنگال و منقار صید می‌کردند (فلانندن، ۱۳۵۶؛ اورسل، ۱۳۸۲؛ دوسرسی، ۱۳۶۲).

در این دوره گاهی به‌منظور تسریع و تسهیل در امر شکار، ابتدا تازی‌های تعلیم‌دیده را رها می‌کردند تا با ترساندن شکارها، به‌طور اخص کبک، شکار قوش تسهیل شود؛ به این ترتیب که کبک‌ها پس از حمله تازی، سراسیمه به هوا پرواز می‌کردند که پس از آن قوش خود را به‌سرعت به شکار می‌رساند و آن را به‌راحتی شکار می‌کرد (دوسرسی، ۱۳۶۲). در شرایطی متفاوت نیز، پس از زخمی کردن شکار با اسلحه، قوش‌ها را برای صید آنها رها می‌کردند (ناصرالدین‌شاه قاجار و اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۸). صیادان برای خارج کردن شکار از چنگ قوش‌ها، بلافاصله آنها را دنبال می‌کردند تا از این طریق، مانع

یافتند؛ به طوری که دروویل (۱۳۶۵) اذعان می‌کند هیچ قومی به اندازه ایرانی‌ها در شکار با قوش مهارت و تخصص ندارند. شکار با قوش، سهم زیادی را در بین گروه‌های مختلف جامعه به خود اختصاص داده بود که مهم‌ترین آنها پادشاهان، شاهزادگان، حکام و به نسبت خیلی کم‌تر، مردم عادی بودند. شکار شاهان با قوش، با تشریفات و تمهیدات خاصی انجام می‌شد. هنگامی که شاهان به این سرگرمی اقدام می‌کردند، تعداد زیادی خدمه آنها را همراهی می‌کردند؛ پس از رسیدن به محل شکار، از اسب پیاده می‌شدند و در کمال سکوت، چند قدم جلوتر از شکارچیان حرکت می‌کردند. از سوی دیگر شکارچیان با آرایشی نیم‌دایره‌ای، بسیار گسترده پشت سر آنها حرکت و پس از آن شکار با قوش را آغاز می‌کردند (همان‌جا).

آقا محمدخان قاجار با شیوه‌های متنوعی از جمله قوش، شکار می‌کرد (هدایت، ۱۳۸۰؛ سپهر، ۱۳۷۷). فتحعلی شاه نیز علاقه فراوانی به شکار داشت (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰؛ دوکوتزبوئه، ۱۳۶۵) و قادر بود به شیوه‌های متنوعی شکار کند؛ به طوری که در شکار با اسلحه به ندرت تیرش خطا می‌رفت (فریزر، ۱۳۶۴). او همچنین مهارت زیادی در شکار با قوش داشت (هدایت، ۱۳۸۰). رونق قوش‌خانه سلطنتی فتحعلی شاه به ریاست طاووس‌خان، که پرنندگان شکاری زیادی در آن نگهداری می‌شد (دروویل، ۱۳۶۵) و سنگ‌نگاره او در چشمه‌علی که یک قوش شکاری روی دستش حک شده است، نشانگر علاقه او به پرنندگان شکاری است (اورسل، ۱۳۸۲)؛ اما جزئیات شکار او با قوش، در منابع بازتاب نیافته است.

محمدشاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴ هـ ق) به مانند اسلاف خود، همواره به شکار می‌رفت (هدایت، ۱۳۸۰)، اما هیچ گزارشی از شکار او با قوش ارائه نشده است؛ به طوری که فلاندن (۱۳۵۶) گزارش

قاجار و عین‌السلطنه، (۱۳۸۸). در زمان ناکامی قوش‌ها در شکار، صیاد باید با طعمه‌های دستی، قوش را سیر و مهیای شکار بعدی می‌کرد (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ج)؛ به این ترتیب که با دادن خون یک کبوتر مرده، او را سیر می‌کرد و تا روز بعد، از پرواز دادن آن خودداری می‌کرد تا قوش قوای خود را برای شکار در روزهای بعد بازیابد (موریه، ۱۳۸۵).

گاهی قوش‌ها در زمان شکار گم و یا قربانی طعمه می‌شدند. این قضیه بیشتر در شکار عقاب حادث می‌شد. با توجه به اینکه عقاب با تانی پرواز می‌کرد، قوش بلافاصله خود را بالای سر عقاب می‌رساند و آن را شکار می‌کرد؛ اما در شرایطی که عقاب سریع‌تر پرواز می‌کرد، قوش‌های شکاری طعمه عقاب می‌شدند (ژوبر، ۱۳۲۲؛ پولاک، ۱۳۶۸). گاهی حمله قوش‌های دیگر به ویژه برای ربودن شکار آنها، مشکل‌ساز می‌شد (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۵؛ ناصرالدین‌شاه، ۱۳۹۷ب). همچنین هنگام شکار اردک‌های وحشی، خطر غرق شدن آنها را تهدید می‌کرد (ژوبر، ۱۳۲۲). از طرفی دیگر، قوش‌هایی که کامل‌تعلیم نمی‌شدند، با اولین پرواز فرار می‌کردند (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۹). علاوه بر آن، زیادبودن شکار عاملی بود که قوش‌ها گم و ناپدید شوند (همان‌جا).

## ۷- جایگاه شکار با قوش در بین گروه‌های مختلف در عصر قاجار

در عصر قاجار، گروهی از مردم به شکار با قوش علاقه‌مند بودند و در این کار مهارت چشمگیری داشتند (چریکف، ۱۳۸۵؛ تانکوانی، ۱۳۸۳؛ فلاندن، ۱۳۵۶). هرچند برخی از سیاحان خارجی معتقد بودند که ایرانی‌ها شکار با قوش را از تاتارها آموخته‌اند (ژوبر، ۱۳۲۲)، اما به نظر می‌رسد ایرانی‌ها در دوره قاجار، رفته‌رفته در این نوع شکار پیشرفت درخور توجهی

همین علاقه، با وجود کتاب‌هایی که درباره آداب تعلیم و تربیت و نگهداری قوش‌ها نگاشته شده بود\*، به توصیه او، کتاب بازنامه‌ای راجع به انواع پرندگان شکاری تدوین شد (پولاک، ۱۳۶۸). در این شرایط قوش‌های شکاری و منصب قوشچی‌باشی، به مهم‌ترین ابزارهای شکارگری و منصب درباری تبدیل شدند (بروگش، ۱۳۷۴).

مظفرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۴ هـ ق) علاقه فراوانی به شکار داشت (افضل‌الملک، ۱۳۶۱؛ عزیزالسلطان، ۱۳۷۶)، اما از قوش‌پرانی او اطلاعی در دست نیست. این قضیه درباره جانشینان او نیز صدق می‌کند؛ به طوری که هیچ گزارشی مبنی بر شکار شاهانه با قوش به وسیله محمدعلی شاه و احمدشاه وجود ندارد. به نظر می‌رسد با توجه به اوضاع آشفته ایران و زوال حکومت قاجار، منابع اعتنای چندانی به بازتاب مسائلی همچون شکار با قوش نداشته‌اند و یا این نوع صید، جایگاه خود را در میان تفریح‌های سلطنتی از دست داده است.

علاوه بر پادشاهان، گزارش‌های اندکی درباره شکار با قوش توسط شاهدگان قاجاری، حکام و اعیان نیز وجود دارد؛ اگرچه جزئیات آن در منابع بازتاب نیافته است (بتنان، ۱۳۹۰؛ نوری، ۱۳۸۶؛ فلاندن، ۱۳۵۶؛ ساکما، ۱۳۴۲؛ سند شماره: ۲۱۰/۹۵۸۷). آنها برای لذت‌بردن از صید، شکارگاه‌های اختصاصی را برای خود ترتیب می‌دادند و با چندین ملازم به شکار با قوش اقدام می‌کردند (سردار اسعد، بی‌تا؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۵؛ رشوند، ۱۳۷۶؛ عین‌السلطنه، ۱۳۷۴). به موجب همین علاقه، در مواقعی از دوستان خود تقاضا می‌کردند که قوش‌های

می‌دهد: «فن نگهداری و مواظبت نمودن قوش‌ها روزبه‌روز میان ایرانیان و اعضای دربار شاهی کم می‌شود؛ زیرا کمتر اشخاصی هستند که بتوانند به محافظت آنها اشتغال بورزند».

عصر ناصرالدین‌شاه را باید نقطه اوج شکار و شکارگری دانست. این پادشاه علاقه فراوانی به شکار داشت و گونه‌های مختلف جانوری را شکار می‌کرد (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۶۲). در این بین، او به پرندگان شکاری علاقه فراوانی داشت، برای تعلیم و آموزش آنها از قوشچی‌های ماهر استفاده می‌کرد و شکار با قوش، یکی از مهم‌ترین تفریحات موردعلاقه‌اش بود (بروگش، ۱۳۷۴؛ معیرالممالک، ۱۳۶۱؛ تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷). او تا پایان عمر، شکار با قوش را انجام می‌داد (معیرالممالک، ۱۳۶۱) و با قوش‌های شکاری در صید حیوانات مختلف مهارت داشت (پولاک، ۱۳۶۸). قوشچی‌باشی، ناصرالدین‌شاه را در شکار همراهی و در رکاب او قوش‌پرانی می‌کرد (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۵؛ الف).

علاقه ناصرالدین‌شاه به شکار با قوش باعث شده بود تا همه‌ساله از سوی حکام نواحی مختلف، انواع پرندگان شکاری برای او ارسال شود؛ به گونه‌ای که سهام‌الدوله بجنوردی هر سال بهترین قوش‌ها را برای او می‌فرستاد (ساکما، ۱۳۳۰؛ سند شماره: ۲۱۰/۲۲۹۹). همچنین به دلیل علاقه خاص او به شاهین و بالابان، حکام کرمانشاه، لرستان و آستارا بهترین جوجه‌های آشیانی را به دربار ارسال می‌کردند (معیرالممالک، ۱۳۶۱). از طرفی گاهی به حکام نواحی مختلف دستور می‌داد تا قوش‌های مدنظرش را به دربار ارسال کنند (ساکما، بی‌تا؛ سند شماره: ۲۹۵/۶۵۱۲). در راستای

\* بنگرید به نسوی، ابوالحسن علی بن احمد (۱۳۵۴)، بازنامه، با مقدمه‌ای در صید و آداب آن در ایران تا قرن هفتم هجری، نگارش و تصحیح علی غروی، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.

۱۳۹۹). همچنین ناصرالدین‌شاه و ملتزمانش هنگام مسافرت و پس از ورود به مناطق مختلف، از قوشچی‌های ماهر برای سرگرمی و گذراندن اوقات دعوت می‌کردند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴). در برخی مناطق با وجود تنوع ابزارهای شکارگری و گونه‌های مختلف شکار، شاه و ملازمانش شکار با قوش را برای صید کبک و تیهو برمی‌گزیدند (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۶۷: ص. ۵۷؛ ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۸۳؛ ۱۳۹۷ الف). در چنین شرایطی اگر شکار شاهانه با غیبت قوشچی‌ها همراه می‌شد، چندان برای شاه لذت‌بخش نبود (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۸). هیچ گزارشی وجود ندارد که نشان دهد شاهان بعدی قاجار قوش شکار می‌کردند.

حکام و شاهزادگان نیز به جهت سرگرمی و تفریح، از این شیوه شکار استفاده می‌کردند (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ الف). برخی از شاهزادگان قاجاری مهارت زیادی در شکار با قوش داشتند؛ برای مثال محمدعلی میرزا فرزند ارشد فتحعلی شاه، علاقه زیادی به شکار داشت و در قوش‌بازی نیز ماهر بود (ژوبر، ۱۳۲۲؛ مارکام، ۱۳۶۷). یکی دیگر از شاهزادگان قاجاری که در شکار با قوش تبحر زیادی داشت، شاهزاده ملک قاسم‌میرزا دیگر فرزند فتحعلی شاه بود که همواره تعدادی ملازم او را همراهی می‌کردند و بازهای شکاری را روی دست می‌گرفتند (فلاندن، ۱۳۵۶؛ دوسرسی، ۱۳۶۲). ظل‌السلطان فرزند ناصرالدین‌شاه، با وجود علاقه فراوان به شکار، مهارت در آن و شناخت گونه‌های مختلف جانوری که حاصلش انجام شکارهای بی‌رویه بود (ظل‌السلطان، ۱۳۶۲)، هیچ علاقه‌ای به شکار با قوش نداشت: «قوش‌خواه زردچشم و خواه سیاه‌چشم که در میان قوش‌چی‌ها مشهور است - هیچ‌وقت در هیچ عهدی من نداشتم، ابداً مایل به نگاه‌داشتن قوش نبودم. در تمام عمر یک پول خرج قوش و قوشچی نکردم، شاید در مازندران و فارس

موردعلاقه آنها را ارسال کنند (ساکما، ۱۳۱۸: سند شماره: ۲۹۶/۱۷۰۷۳) و یا دستور صید قوش‌های شکاری را می‌دادند (ساکما، ۱۲۹۶: سند شماره: ۲۹۵/۱۳۸۷).

علاوه بر بزرگان و متنفذان، مردم عادی، به‌ویژه افرادی که در تعلیم قوش‌های شکاری مهارت داشتند نیز، به نسبت کم‌تر و خیلی محدودی از این شیوه شکار استفاده می‌کردند (چریکف، ۱۳۸۵؛ موریه، ۱۳۸۵). در دوره قاجار، به مرور تفنگ‌های شکاری مختلفی برای شکار گونه‌های مختلف جانوری رونق پیدا کرد (دروویل، ۱۳۶۵؛ گوینو، ۱۳۸۳؛ بروگش، ۱۳۷۴؛ افضل‌الملک، ۱۳۶۱؛ عزیزالسلطان، ۱۳۷۶). این تفنگ‌ها، شکارگری را آسان، سریع، گسترده و ارزان کرد؛ بنابراین شیوه‌های سنتی شکار، از جمله صید با قوش از رونق افتاد و فارغ از جنبه شکارگری، بیشتر با هدف تفریح و سرگرمی انجام می‌گرفت.

## ۸- کارکردهای شکار با قوش در عصر قاجار

### ۸-۱- جنبه تفریح و سرگرمی

شکار با قوش در دوره قاجار، بیشتر جنبه تفریحی و سرگرمی داشت و خاندان حاکم، اعیان و اشراف به میزان فراوان‌تری از این شیوه شکار بهره‌مند بودند و در آن مهارت داشتند. آقا محمدخان قاجار پیش از تاج‌گذاری، زمانی که در اسارت کریم‌خان زند بود، برای تفریح و سرگرمی به قوش‌پرانی اقدام می‌کرد (ساروی، ۱۳۷۱؛ سپهر، ۱۳۷۷). فتحعلی شاه قاجار هم برای گذراندن اوقات خود و سرگرمی در مسیر حرکت به شهرهای مختلف، قوش شکار می‌کرد (هدایت، ۱۳۸۰). استفاده از این شیوه سرگرمی در زمان محمدشاه قاجار چندان رواج نداشت، اما شکار با قوش به‌وسیله ناصرالدین‌شاه قاجار در شکارگاه‌های سلطنتی، امری مرسوم بود (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۵؛

دویست سیصد «قوش طَلان و قزل» برای من پیشکش آوردند، تمام را رها کردم، کمترش هم بخشیدم» (همان جا).

شکار با قوش میان حکام نیز رایج بود؛ برای مثال موریه (۱۳۸۵) هنگام اقامت در بوشهر، شاهد تشکیلات شکارگری با قوش حسن‌خان دشتی، حاکم دشتستان بوده است. فوروکاوا (۱۳۸۴) نیز هنگام عبور از شیراز، به تشکیلات فرزند دوم والی فارس برای شکار با قوش اشاره دارد. اهمیت گذراندن اوقات با قوش‌بازی در عصر قاجار، به گونه‌ای بود که حکام در شرایط سخت نیز به این کار اقدام می‌کردند (گویینو، ۱۳۸۳). همچنین علاقه به قوش و جنبه سرگرمی آن، عاملی بود که برخی از بزرگان متمول از چندگونه قوش شکاری نگهداری کنند. اقبال‌الدوله یکی از بزرگان طایفه بنی‌غفار، به دلیل علاقه زیاد به شکار با قوش (ساکما، ۱۳۳۰: سند شماره: ۲۴۰۶/۲۱۰)، مجموعه‌ای از پرندگان شکاری را جمع‌آوری کرده بود و به‌تنهایی به آنها رسیدگی می‌کرد. سه بالابان، یک چرخ، دو ترم‌تای، یک قرقی و سه غزال (غزل) و شش قوش زرد چشم، مجموعه او را تشکیل می‌دادند (اوبن، ۱۳۶۲).

جنبه تفریحی و سرگرمی استفاده از قوش در بین سفرا و مأموران خارجی حاضر در ایران نیز، امری رایج بود. در این دوره سفرای خارجی پس از ورود به ایران، گاهی مسیرهای طولانی را برای رسیدن به پایتخت طی می‌کردند؛ از این رو در بین راه برای سرگرمی و گذراندن وقت، شکار می‌کردند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰). شکار با قوش نیز یکی از تفریحات موردعلاقه آنها در ایران بود که در شرایط مختلف به آن مبادرت می‌ورزیدند و از این نوع شکار لذت می‌بردند (موزر، ۱۳۵۶؛ بنتان، ۱۳۹۰). موریه (۱۳۸۵) پس از ورود به ایران، برای تفریح و گذراندن

اوقات خود در بوشهر، به شکار با قوش اقدام و چند نفر از قوشچی‌های ماهر محلی را با خود همراه کرد؛ اما برخی سفرای خارجی و اتباع اروپایی با وجود علاقه به شکار با قوش، در مواقعی پس از تماشای حمله و حشیانه قوش‌ها به پرندگان دیگر، از کار خود نادم و پشیمان می‌شدند؛ به طوری که پس از آن به شکار با قوش اقدام نمی‌کردند (دوسرسی، ۱۳۶۲؛ فوریه، ۱۳۸۵).

#### ۸-۲- عاملی برای نمایش شکوه و بزرگی

اشرافی‌ترین نوع شکار در عصر قاجار، شکار با قوش و آموزش آن بود که هزینه‌های زیادی در برداشت (پولاک، ۱۳۶۸؛ دالمانی، ۱۳۷۸). به همین علت داشتن قوش و شکار با آن برای تمام سطوح جامعه عصر قاجار میسر نبود؛ بنابراین داشتن قوش‌های شکاری آن هم در تعداد زیاد، نوعی امتیاز محسوب می‌شد و به‌نوعی بزرگی و شکوه شخص دارنده آن را نشان می‌داد (پولاک، ۱۳۶۸). هرچند در این دوره، نگهداری از یک قوش هزینه‌های زیادی در برداشت، اما داشتن انواع مختلف پرندگان شکاری هزینه‌بر بود (تیمور میرزا قاجار، ۱۳۰۷؛ اوبن، ۱۳۶۲)؛ به طوری که در عصر مظفرالدین شاه قاجار، تنها ۱۰ نفر از افراد متمول در تهران، چند نوع پرنده شکاری را با هم نگهداری می‌کردند (اوبن، ۱۳۶۲). به نظر می‌رسد مجموعه‌داران هزینه‌های زیادی را برای رسیدگی به قوش‌های شکاری، متحمل می‌شدند. همچنین تعلیم پرندگان شکاری به‌دشواری انجام می‌شد، به گونه‌ای که مجموعه‌داران برای سهولت در این کار، به تعداد قوش‌ها، قوشچی استخدام می‌کردند تا در هنگام شکار، هر قوش روی دست متعلم خود فرود آید و از مشکلات مربوط به مفقودشدن و هلاک آنها جلوگیری شود (دالمانی، ۱۳۷۸؛ اوبن، ۱۳۶۲). برای اینکه قوش‌ها گوشت شکار را نخورند،

قوش‌های شکاری را در حال پرواز شکار می‌کرد (ناصرالدین‌شاه قاجار، [۱۳۹۷ الف](#)؛ اعتمادالسلطنه، [۱۳۵۰](#)). در مواقعی هم که قوشچی‌ها و مردم نظاره‌گر شکار بودند، ناصرالدین‌شاه با قوش‌پرانی هنرنمایی می‌کرد و مهارت خود را در این زمینه، به معرض نمایش می‌گذاشت (ناصرالدین‌شاه قاجار، [۱۳۹۷ ج](#)). ناصرالدین‌شاه گاهی به مدت چندین روز از سفرا و اتباع خارجی در شکارگاه‌های سلطنتی پذیرایی می‌کرد تا مهارتش را در شکار (به‌ویژه) با قوش‌های شکاری بر آنها نمایان کند (فوریه، [۱۳۸۵](#)؛ اعتمادالسلطنه، [۱۳۵۰](#)).

شاهزادگان و حکام در ایالات و ولایات مختلف به پیروی از این رویه، از حضور سفرا و اتباع خارجی برای نمایش مهارت خود در این فن شکار استفاده می‌کردند. شاهزاده ملک‌قاسم میرزا زمانی که برای شکار با قوش اقدام کرد، سفیر فرانسه را با خود همراه کرد (دوسرسی، [۱۳۶۲](#)؛ فلاندن، [۱۳۵۶](#)). همچنین حسن‌خان دشتی حاکم دشتستان، از حضور جیمز موریه در این راستا استفاده کرد (موریه، [۱۳۸۵](#)). برخی سفرای خارجی که در قوش‌بازی مهارت داشتند، پس از دیدار با شاهزادگان در زمان شکار، مهارت و تخصص خود را در تعلیم، تربیت و نحوه شکار با قوش به آنها انتقال می‌دادند (جونز، [۱۳۸۶](#)).

#### ۸-۴- جنبه معیشتی شکار با قوش

قوش و قوش‌بازی به‌دلیل مسائل و سختی‌های جانبی آن، به‌صورت گسترده در قالب شکار درباری و اعیانی و در مواردی معدود به‌وسیله افراد عادی در مناطق مختلف استفاده می‌شد. در واقع کارکرد استفاده از قوش در عصر قاجار متفاوت بود. با توجه به اینکه شکار با قوش به‌سختی انجام می‌شد، عموماً ساختار قدرت با اهدافی از آن بهره می‌گرفتند که جایگاه فردی و اجتماعی آنها را تحت تأثیر قرار می‌داد. در بین مردم

شکارچی‌ها افرادی را هنگام شکار با قوش اجیر می‌کنند تا قوش‌های شکاری را تعقیب کنند و مانع از هدررفتن گوشت شکار شوند (پولاک، [۱۳۶۸](#)). از این رو به نظر می‌رسد رونق‌نیافتن قوش‌بازی در عهد برخی از پادشاهان قاجار (فلاندن، [۱۳۵۶](#))، رابطه مستقیمی با هزینه‌های گزاف مربوط به تعلیم و نگهداری از آنها داشته است (تیمور میرزا قاجار، [۱۳۰۷](#))؛ به‌طوری که پولاک ([۱۳۶۸](#)) در عهد ناصری معتقد است هزینه‌های سنگین پرندگان شکاری، کم‌کم از رونق قوش‌بازی در این دوره کاسته است.

#### ۸-۳- نمایش مهارت در شکار

یکی از مهم‌ترین کارکردهای شکار در عصر قاجار، استفاده از آن به‌عنوان ابزاری برای نمایش مهارت و تخصص در فنون شکار بود؛ از این رو شکار با قوش که تا حدودی از دیگر شکارها دست‌نیافتنی‌تر و دشوارتر بود، اهمیت قضیه را دوچندان می‌کرد. ناصرالدین‌شاه قاجار برای هنرنمایی با قوش‌های شکاری، بهترین آنها را به ماهرترین قوشچی‌ها واگذار می‌کرد تا هنرنمایی و مهارتشان را در شکار چند برابر کنند. او یکی از قوش‌های تقدیمی سهام‌الدوله بجنوردی را که برای تعلیم به معیرالممالک (قوشچی سلطنتی) سپرده بود، در شکارگاه جاجرود رونمایی کرد و از این طریق، هنرش را در این نوع شکار بر همراهانش نمایان کرد (معیرالممالک، [۱۳۶۱](#)). البته در این زمینه، قوش‌های شکاری به‌جهت اینکه از نظر جرئت و نحوه پرواز با یکدیگر متفاوت بودند، هنرنمایی‌شان در شکار نیز متفاوت بود (ناصرالدین‌شاه قاجار، [۱۳۸۳](#))؛ به‌گونه‌ای که یکی از شتقارهای اهدایی به ناصرالدین، با هنرنمایی و مهارت در شکار، گوی سبقت را از دیگر قوش‌های سلطنتی ربوده بود (معیرالممالک، [۱۳۶۱](#)). ناصرالدین‌شاه همچنین برای نمایاندن هنر خود در شکار، گاهی

سلطنتی و گروه‌های بالای جامعه رایج بود. اگرچه شکار با قوش در دوران شاهان اولیه قاجار رواج داشت، اما ناصرالدین‌شاه قاجار که بخش بزرگی از زندگی و تفریحات خود را به شکار اختصاص داده بود، با قوش هم شکار می‌کرد و در آن مهارت داشت، بنابراین حکومت او دوره اوج رواج قوش‌بازی در دوره قاجار است. این نوع شکار در دوره شاهان بعدی، به شدت از رونق افتاد. از سوی دیگر برخی از شاهزادگان و حکام هم در این کار مهارت داشتند و هزینه‌های گزافی را صرف قوش‌داری می‌کردند. شکار با قوش در دوره قاجار، کارکرد معیشتی خود را تا حد زیادی از دست داد. این شیوه از شکار علاوه بر جنبه سرگرمی و تفریح، کارکردهای متنوعی از نظر جایگاه اجتماعی و فردی برای اقدام‌کنندگان به آن داشت و از نظر جایگاه اجتماعی، ناتوانی عموم در نگهداری، تعلیم و استفاده از قوش برای دارندگان این نوع پرندگان شکاری، امتیاز محسوب می‌شد و به نوعی نمایش تمول و بزرگی آنها بود. از نظر جایگاه فردی نیز به دلیل سختی‌های مربوط به شکار با قوش، کسانی که از این مهارت برخوردار بودند، برای نمایش هنر و مهارت خود، از آن استفاده می‌کردند.

#### منابع

اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۵۰). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه* (ایرج افشار، مصحح). امیرکبیر.  
اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۸۵). *یادداشت‌های روزانه اعتمادالسلطنه* (سیف‌الله وحیدنیا، مصحح). آبی.  
افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۶۱). *افضل‌التواریخ* (به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدونیان)، تاریخ ایران.  
اوبن، اوژن (۱۳۶۲). *ایران امروز* (علی‌اصغر سعیدی،

عادی، معدود افرادی که از قوش استفاده می‌کردند، بیشتر جنبه معیشتی را در نظر داشتند؛ به طوری که گاهی در مناطق مختلف افرادی برای تأمین معیشت روزانه خود، قوش‌پرانی می‌کردند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴). گروهی دیگر که از شکار و قوش‌بازی در این راستا استفاده می‌کردند، سفرای خارجی بودند (دیولافوا، ۱۳۷۶). آنها گاهی پس از پشت سر گذاشتن مسیرهای سخت و طاقت‌فرسا، به دلیل کمبود مواد غذایی، از قوش و قوشچی‌های ماهر محلی برای تأمین آذوقه بهره می‌گرفتند (موزر، ۱۳۵۶).

#### ۹- نتیجه‌گیری

شکار در دوره قاجار با کارکردهای مختلفی به خصوص معیشتی، در میان گروه‌های مختلف مردم ایران رواج داشت. در این میان شکار با قوش، یکی از روش‌های صید در عصر قاجار بود و اهمیت و جایگاه ویژه‌ای داشت؛ اما این شیوه شکار، بسیار خاص و متفاوت از روش‌های مرسوم دیگر صید بود و اقدام به آن، محدودیت‌ها و شرایط خاصی را طلب می‌کرد؛ به طوری که ابتدا پرندگان شکاری که برای شکار از آنها استفاده می‌شد، به راحتی در دسترس نبودند، هرچند برخی از گونه‌ها بومی ایران بودند، اما قوش‌های قدرتمند عموماً از خارج از مرزها به ایران وارد می‌شدند؛ دوم اینکه استخدام قوشچی‌های ماهر و صرف هزینه‌های زیاد برای تعلیم قوش، مشکلات و بار مالی زیادی را برای دارندگان پرندگان شکاری درست می‌کرد، این در حالی بود که با رواج تفنگ‌های شکاری جدید، صید گونه‌های مختلف جانوری، بسیار راحت و به صورت گسترده انجام می‌شد؛ بنابراین شکار با قوش بسیار پرهزینه، زمان‌بر، سخت، کم‌بازده و مستلزم مقدمات و مهارت‌های فراوان بود. به همین علت شکار با قوش، بیشتر در میان اعضای خاندان



[10.29252/chs.13.50.1](#)

خودزکو، الکساندر (۱۳۵۴). سرزمین گیلان: توصیفی تاریخی و جغرافیایی از سرزمینی واقع در جنوب دریای خزر (سیروس سهامی، مترجم). پیام. دالمانی، هنری رنه (۱۳۷۸). سفرنامه از خراسان تا بختیاری (غلامرضا سمیعی، مترجم)، طاووس. درویل، گاسپار (۱۳۶۵). سفر در ایران، (جواد محیی، مترجم). گوتنبرگ.

دوراند، سرتی مور (۱۳۴۶). سفرنامه دوران: مربوط به هیئت سرتی مور وزیرمختار انگلیس در ایران (علی محمد ساکی، مترجم). کتاب‌فروشی محمدی. دوسرسی، کنت دوسارتیژ (۱۳۶۲). ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ م سفارت فوق‌العاده کنت دوسرسی (احسان اشراقی، مترجم). انتشارات مشهد. دوکوتزبوئه، موریس (۱۳۶۵). مسافرت به ایران (محمود هدایت، مترجم). جاویدان. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا. دانشگاه تهران.

دیولافوا، ژان (۱۳۷۶). سفرنامه خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش (ایرج فره‌وشی، مترجم). دانشگاه تهران.

رشوند، محمدعلی (۱۳۷۶). مجمل رشوند (منوچهر ستوده، مصحح). میراث مکتوب. ژوبر، پیر. آمده (۱۳۲۲). مسافرت به ارمنستان و ایران (محمود هدایت، مترجم). تابان.

ساروی، محمد فتح‌الله بن محمدتقی (۱۳۷۱). تاریخ محمدی: احسن‌التواریخ (غلامرضا طباطبایی مجلد، مصحح). امیرکبیر.

ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)، ۱۳۴۲: سند شماره: ۲۱۰/۹۵۸۷

ساکما، ۱۲۹۶: سند شماره: ۲۹۵/۱۳۸۷

ساکما، ۱۳۱۸: سند شماره: ۲۹۶/۱۷۰۷۳

ساکما، ۱۳۳۰: سند شماره: ۲۱۰/۲۲۹۹

مترجم). زوار.

اورسل، ارنست (۱۳۸۲). سفرنامه قفقاز و ایران (علی اصغر سعیدی، مترجم). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. آدینه‌وند، مسعود، عادل‌فر، باقرعلی، امرایی، شمس‌الدین، و بازوند، ستار (۱۳۹۵). تحلیل پدیده شکار سلطنتی در عصر قاجار. فصلنامه گنجینه اسناد، ۲۶ (۴)، ۶۳-۴۲.

<https://ensani.ir/fa/article/362993>

بروگش، هنری (۱۳۷۴). در سرزمین آفتاب: دومین سفرنامه هنریش بروگش (مجید جلیلود، مترجم). مرکز.

بن‌تان، آگوست (۱۳۹۰). سفرنامه آگوست بن‌تان (منصوره نظام مافی اتحادیه، مترجم). بی‌جا: بی‌نا. پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان (کیکاووس جهاننداری، مترجم). خوارزمی.

تانکوانی، ژ. ام (۱۳۸۳). نامه‌هایی درباره ایران و ترکیه آسیا (علی اصغر سعیدی، مترجم). چشمه. تیمور میرزا قاجار (۱۳۰۷). بازنامه ناصری. نسخه خطی دانشگاه تورنتو.

جونز، سرهارفورد (۱۳۸۶). خاطرات سرهارفورد جونز: روزنامه سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان به تهران (مانی صالح علامه، مترجم). ثالث.

چریکف (۱۳۸۵). سیاحت‌نامه مسیو چریکف (آبکار مسیحی، مترجم). سپهر.

خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله (۱۳۸۰). تاریخ ذوالقرنین (ناصر افشارفر، مترجم). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

خزائی، سهم‌الدین، و قنبری، زهرا (۱۴۰۰). قرق و امنیت شکار در عصر ناصری. فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، ۱۳ (۵۲)، ۱-۲۵.



عصر ناصری. فصلنامه جستارهای تاریخی، ۱۳، (۲)، ۲۰۳-۱۷۵.

[https://historicalstudy.ihcs.ac.ir/article\\_8473.html](https://historicalstudy.ihcs.ac.ir/article_8473.html)  
قنبری، زهرا، و طولابی، توران (۱۳۹۹). شکار حیوانات توسط اشراف قاجار و پیامدهای زیست‌محیطی آن. فصلنامه تاریخ و فرهنگ، ۵۲(۱)، ۱۴۰-۱۱۵.

[10.22067/JHISTORY.2021.69122.1021](https://doi.org/10.22067/JHISTORY.2021.69122.1021)  
گویینو، کنت آرتور (۱۳۸۳). سه سال در آسیا: سفرنامه کنت دو گویینو (عبدالرضا هوشنگ مهدوی، مترجم). قطره.

مارکام، کلمنت (۱۳۶۷). تاریخ ایران در دوره قاجار (میرزارحیم فرزانه، مترجم). آسمان.

معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۶۱). یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه. تاریخ ایران. معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۹۰). وقایع الزمان: خاطرات شکاریه (خدیدجه نظام مافی، مصحح). تاریخ ایران.

مکنزی، چارلز فرانسیس (۱۳۵۹). سفرنامه شمال: گزارش اولین کنسول انگلیس در رشت از سفر به مازندران و استرآباد (منصوره اتحادیه، مترجم). گستره.

موریه، جیمز (۱۳۸۵). سفرنامه جیمز موریه (ابوالقاسم سری، مترجم). توس.

موزر، هنری (۱۳۵۶). ترکستان و ایران: گذری در آسیای مرکزی (محمد گلبن، مترجم). سحر.

میرزا ابراهیم (۱۳۵۵). سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان (مسعود گلزاری، مصحح). بنیاد فرهنگ ایران.

ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۶۲). سفرنامه ناصرالدین‌شاه قاجار به فرنگ. مشعل.

ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۶۷). روزنامه سفر گیلان (منوچهر ستوده، مصحح). مؤسسه فرهنگی جهانگیری.

ساکما، ۱۳۳۰: سند شماره: ۲۱۰/۲۴۰۶

ساکما، بی‌تا: سند شماره: ۲۹۵/۶۵۱۲

سپهر، لسان‌الملک (۱۳۷۷). ناسخ التواریخ (جمشید کیانفر، مصحح)، اساطیر.

سردار اسعد بختیاری (بی‌تا). تاریخ بختیاری. بی‌نا.

ظل‌السلطان، مسعود میرزا (۱۳۶۲). تاریخ سرگذشت مسعودی: زندگینامه و خاطرات ظل‌السلطان. دنیای کتاب.

عزیزالسلطان، غلامعلی خان (۱۳۷۶). روزنامه خاطرات عزیزالسلطان ملیجک ثانی (محسن میرزایی، مصحح)، زریاب.

عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین‌السلطنه (مسعود سالور و ایرج افشار، مصحح)، اساطیر.

فریدی، فریبا (۱۴۰۲). شکار در دوره قاجار از ابتدا تا پایان دوره ناصری (۱۲۱۰-۱۳۱۳)، (امیر بهروز قاسمی، ویراستار). خیزران.

فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴). سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی (منوچهر امیری، مترجم). توس.

فلاندن، اوژن (۱۳۵۶). سفرنامه اوژن فلاندن به ایران (حسین نورصادقی، مترجم). اشراقی.

فوروکاوا، نوبویوشی (۱۳۸۴). سفرنامه فوروکاوا (هاشم رجبزاده و کنیچی ئه اورا، مترجم). انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

فوریه (۱۳۸۵). سه سال در دربار ایران: خاطرات دکتر فوریه پزشکی و ویژه ناصرالدین‌شاه قاجار (عباس اقبال آشتیانی، مترجم). دنیای کتاب.

قاضی‌ها، فاطمه (۱۳۹۰). گزارش شکارهای ناصرالدین‌شاه قاجار ۱۲۷۹-۱۲۸۱ هـ. ق. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

قنبری، زهرا، و خزائی، سهم‌الدین (۱۴۰۱). تحلیلی بر عوامل مؤثر بر شکار، اهداف و کارکردهای آن در

۱۲۹۰ به انضمام سفرنامه اول فرنگ (مجید عبد امین، مصحح). انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری نشر سخن.

ناصرالدین شاه قاجار، و اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۸۸). *روزنامه سفر مازندران ۱۲۸۲-۱۲۸۹* (یوسف الهی، مصحح). رسانش.

نسوی، ابوالحسن علی بن احمد (۱۳۵۴). *بازنامه، با مقدمه‌ای در صید و آداب آن در ایران تا قرن هفتم هجری (علی غروی، مصحح)*. وزارت فرهنگ و هنر.

نوری، محمدتقی (۱۳۸۶). *اشرف‌التواریخ (سوسن اصیلی، مصحح)*. میراث مکتوب.

ویلز، چارلز جیمز (۱۳۶۸). *ایران در یک قرن پیش: سفرنامه دکتر ویلز (غلامحسین قراگوزلو، مصحح)*. اقبال.

هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۰). *تاریخ روضه‌الصفای ناصری (جمشید کیانفر، مصحح)*. اساطیر.

هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۵). *سفارت‌نامه خوارزم (جمشید کیانفر، مصحح)*. میراث مکتوب.

## References

- Adineh Vand, M., Adelfar, B. A., Amraei, Sh., & Bazvand, S. (2015). Royal hunting in the Qajarid era. *Quarterly Journal of Ganjineh Asnad*, 26(4), 42-63. [In Persian]. <https://ensani.ir/fa/article/362993>
- Aziz al-Sultan, G. A. Kh. (1997). *Aziz al-Sultan Melijak Sani's diary* (M. Mirzaei, Ed.). Zaryab Publication. [In Persian].
- Bentan, A. (2010). *August Bentan's travel* (M. Nizam Mafi, Trans). (n.p). [In Persian].
- Brogash, H. (1988). *A trip to the court of Sahibqaran* (Kurd Bacha, Trans.). Ettela'at Publication. [In Persian].
- Brogash, H. (1995). *In the Sun land (Henry Brogash's second travelogue)* (M. Jalilvand, Trans.). Markaz Publication. [In Persian].
- Cherikov, A. (2006). *Monsieur Cherikov's travelogue* (A. Mesihii, Trans.). Sepehr Publication. [In Persian].

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۸۳). *سفرنامه ناصرالدین شاه به مازندران (تصحیح هارون و هومن، مصحح)*. پانیند.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۹۵). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از ربیع‌الاول ۱۲۸۳ تا جمادى‌الثانی ۱۲۸۴ به انضمام شرح کامل سفرنامه اول خراسان (مجید عبد امین، مصحح)*. انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری نشر سخن.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۹۷الف). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از ربیع‌الاول ۱۳۱۰ تا جمادى‌الاول ۱۳۱۲ (مجید عبد امین، مصحح)*. انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری نشر سخن.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۹۷ب). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از ربیع‌الاول ۱۳۰۸ تا ربیع‌الثانی ۱۳۰۹ به انضمام شرح کامل سفرنامه لار، شهرستانک و کلاردشت (مجید عبد امین و نسیرین خلیلی، مصحح)*. انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری نشر سخن.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۹۷ج). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از رجب ۱۲۸۴ تا صفر ۱۲۸۷ به انضمام سفرنامه‌های قم، لار، کجور و گیلان (مجید عبد امین، مصحح)*. انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری نشر سخن.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۹۸). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از ربیع‌الاول ۱۲۸۷ تا جمادى‌الثانی ۱۲۸۸ به انضمام سفرنامه کربلا و نجف (مجید عبد امین، مصحح)*. انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری نشر سخن.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۹۹). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از شوال ۱۲۸۸ تا ذیحجه*

- Publication. [In Persian].
- Jones, S. H. (2007). *Sir Harford Jones's diary (Journal of the British delegation to Tehran)*. (M. Salehi Allameh, Trans.). Saless Publication. [In Persian].
- Joubert, P. A. (1943). *Traveling to Armenia and Iran* (M. Hedayat, Trans.). Taban Publication. [In Persian].
- Khavari Shirazi, M. F. (2001). *History of Dhul-Qarnain* (N. Afshar Far, Ed). Farhang Publication. [In Persian].
- Khazaei, S., & Qanbari, Z. (2022). Enclousion and security of hunting in the Naseri Period. *Journal of Cultural History Studies*, 13(50), 1-25. [10.29252/chs.13.50.1](https://doi.org/10.29252/chs.13.50.1) [In Persian].
- Khodzko, A. (1975). *The land of Gilan (a historical and geographical description of a land located in the south of the Caspian Sea)*. (S. Sahami, Trans.). Payam. [In Persian].
- Mackenzie, C. F. (1980). *Travel to the North (Report of the First British Consul in Rasht from a Trip to Mazandaran and Estrabad)*. (M. Etehadiyah, Trans.). Gostareh Publication. [In Persian].
- Markham, C. (1988). *The history of Iran in the Qajar period* (M. R. Farzaneh, Trans.). Asman Publication. [In Persian].
- Mirza Ibrahim (1976). *Travel book of Estarabad, Mazandaran and Gilan* (M. Golzari, Ed.). Farhang Iran Foundation. [In Persian].
- Morieh, J. (2005). *The travel of James Morieh* (A. Seri, Trans.). Toos Publication. [In Persian].
- Moser, H. (1978). *Turkestan and Iran (a passage through Central Asia)*. (A. Motarjem, Trans.). Sahar Publication. [In Persian].
- Muir al-Mamalek, D. A. K. (1982). *Notes from the Private life of Naser al-Din Shah*. Tarikh Iran Publication. [In Persian].
- Muir al-Mamalek, D. A. K. (2013). *Vaqai al-Zaman (Hunting Memoirs)*. (Kh. Nizam Mafi, Ed.). Tarikh Iran Publication. [In Persian].
- Nasawi, A. A. B. A. (1975). *Baznameh: with an introduction on hunting and its customs in Iran until the 7th century AH* (A. Gharavi, Ed.). Ministry of Culture and Art Publication. [In Persian].
- Naser al-Din Shah Qajar & Etimad al-Sultaneh (2009). *Mazandaran Travel Newspaper 1282-1289* (Y. Elahi, Ed.). Rasanesh Publication. [In Persian].
- Dalmani, H. R. (1999). *Travel from Khorasan to Bakhtiari* (Gh. Samii, Trans.). Tavoos Publication. [In Persian].
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Dehkhoda Dictionary*. University of Tehran Press. [In Persian].
- Diolafova, Z. (1997). *Travelogue of Memories of Susa Archaeological Excavations* (I. Farahvashi, Trans.). University of Tehran Press. [In Persian].
- Droville, G. (1986). *Travel in Iran* (J. Mohie, Trans.). Gutenberg. [In Persian].
- Dukotzboe, M. (1986). *Traveling to Iran* (M. Hedayat, Trans.). Javidan Publication. [In Persian].
- Durand, S. M. (1967). *Durand's travels (related to the delegation of Sirti More, the British minister in Iran)*. (A. M. Saki, Trans.). Mohammadi Bookstore. [In Persian].
- Dussarsi, C. D. (1983). *Iran in 1839-1840 AD extraordinary embassy of Count Dussarsi* (E. Eshraghi, Trans.). Mashhad: Mashhad University Press [In Persian].
- Etimad al-Sultaneh, M. H. (2006). *Etimad al-Sultaneh's daily notes*. Abi. [in Persian].
- Etimad al-Sultaneh, M. H. (1971). *Etimad al-Sultaneh newspaper* (I. Afshar, Ed.). Amir Kabir. [In Persian].
- Faridi, F. (2023). *Hunting in the Qajar period from the beginning to the end of the Naseri period (1313-1210 A.H.)*. (A. B. Ghasemi, ed.). Khizaran Publication. [In Persian].
- Flanden, E. (1977). *Eugene Flanden's travelogue to Iran* (H. Noor Sadeghi, Trans.). Eshraghi Publication. [In Persian].
- Fourier, J. B. (2006). *Three years in the court of Iran (memoirs of Dr. Fourier, the special physician of Naser al-Din Shah Qajar)*. (A. Iqbal Ashtiani, Trans.). Donye Ketab Publication. [In Persian].
- Fraser, J. B. (1985). *Fraser's travelogue known as the Winter Journey* (M. Amiri, Trans.). Toos. [In Persian].
- Furukawa, N. (2005). *Furukawa's travel* (H. Rajabzadeh and K. Eura, Eds). Association of Cultural Works and Honors Publication. [In Persian].
- Gobineau, C. A. (2013). *Three years in Asia: Comte de Gobineau's travelogue* (A. H. Mahdavi, Trans.). Qatreh Publication. [In Persian].
- Hidayat, R. (2001). *The History of Rouza al-Safai Naseri* (J. Kianfar, Ed). (Vol. 9-10). Asatir Publication. [In Persian].
- Hidayat, R. (2006). *Khwarezm Embassy letter* (J. Kianfar, Ed.). Mirase Maktub

- functions in Naseri Era. *Journal of Historical Studies*, 13(2), 185-213. [https://historicalstudy.ihcs.ac.ir/article\\_8473.html](https://historicalstudy.ihcs.ac.ir/article_8473.html) [In Persian].
- Qanbari, Z., & Tulabi, T. (2019). Hunting with Qajar aristocracy and its environmental consequences. *Journal of History and Culture*, 52(1), 115-140. [10.22067/jhistory.2021.69122.1021](https://doi.org/10.22067/jhistory.2021.69122.1021) [In Persian].
- Qaziha, F. (2010). *The report of the hunting of Naser al-Din Shah Qajar 1279-1281 AH*. Documents Organization. [In Persian].
- Rashoond, M. A. (1997). *Rashoond's collection* (M. Sotoudeh, Ed.). Miras-e Maktoob Publication. [In Persian].
- Sakma (National Library and Documents Organization of Iran), 1342: document number: 9587/210
- Sakma, 1296: document number: 295/1387
- Sakma, 1318: document number: 17073/296
- Sakma, 1330: document number: 210/2406
- Sakma, 1330: document number: 2299/210
- Sakma, N.d: document number: 6512/295
- Saravi, M. F. B. M. T. (1992). *Muhammadi History (Ahsan al-Tawarikh)*. (Gh. Tabatabai Majid, Ed.). Amir Kabir Publication. [In Persian].
- Sardar Esad Bakhtiari, A. Q. (n.d). *Tarikh Bakhtiari*. (n.p). [In Persian].
- Sepehr, L. M. (1998). *Naskh al-Tawarikh* (J. Kianfar, Ed.). Asatir Publication. [In Persian].
- Tankovani, J. M. (2013). *Letters about Iran and Turkey in Asia* (A. A. Saeedi, Trans.). Cheshmeh Publication. [In Persian].
- Timur Mirza Qajar (1928). *Baz-nameh Naseri*. University of Toronto Manuscript.
- Ursel, E. (2012). *The Caucasus and Iran travel book* (A. A. Saeidi, Trans.). Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
- Wills, Ch. J. (1989). *Iran in a century ago (Land of Sun and Lion)*. (Gh. Karagozlu, Trans.). Iqbal Publication. [In Persian].
- Zal al-Sultan, M. M. (1988). *History of Masoudi's biography (biography and memoirs of Zal al-Sultan)*. Donye Ketab Publication. [In Persian].
- Naser al-Din Shah Qajar (1983). *Naser al-Din Shah Qajar's travel letter to Farang*. Mash'al. [In Persian].
- Naser al-Din Shah Qajar (1988). *Safar Gilan Newspaper* (M. Sotoudeh, Ed.). Jahangiri Cultural Institute. [In Persian].
- Naser al-Din Shah Qajar (2004). *Naser al-Din Shah's travelogue to Mazandaran* (H. Vahoman, Ed.). Paniz Publication. [In Persian].
- Naser al-Din Shah Qajar (2016). *The diary of Naser al-Din Shah Qajar from Rabi-ul-Awl 1283 to Jumadi al-Thani 1284 including the complete description of the first Khorasan travelogue* (M. Abd Amin, Ed.). Dr. Mahmoud Afshar Publication. [In Persian].
- Naser al-Din Shah Qajar (2018a). *The diary of Naser al-Din Shah Qajar from Rabi-ul-Awl 1310 to Jamadi-ul-Awl 1312* (M. Abd Amin, Ed.). Dr. Mahmoud Afshar Publication. [In Persian].
- Naser al-Din Shah Qajar (2018b). *The diary of Naser al-Din Shah Qajar from Rabi-ul-Awl 1308 to Rabi-ul-Thani 1309 including the complete description of the travelogue of Lar, Shahrstanak and Kalardasht* (M. Abd Amin, & N. Khalili. Eds.). Dr. Mahmoud Afshar Publication. [In Persian].
- Naser al-Din Shah Qajar (2018c). *The diary of Naser al-Din Shah Qajar from Rajab 1284 to Safar 1287 including the travelogues of Qom, Lar, Kajur and Gilan* (M. Abd Amin, Ed.). Dr. Mahmoud Afshar Publication. [In Persian].
- Naser al-Din Shah Qajar (2019). *The diary of Naser al-Din Shah Qajar from Rabi-ul-Awl 1287 to Jumadi al-Thani 1288 including the travelogue of Karbala and Najaf* (M. Abd Amin, Ed.). Dr. Mahmoud Afshar Publication. [In Persian].
- Naser al-Din Shah Qajar (2020). *The diary of Naser al-Din Shah Qajar from Shawwal 1288 to Dhu al-Hijjah 1290 including the travelogue of First Farang* (M. Abd Amin, Ed.). Dr. Mahmoud Afshar Publication. [In Persian].
- Nouri, M. T. (2007). *Ashraf al-Tawarikh* (S. Asili, Ed.). Miras-e Maktub. [In Persian].
- Ojan, O. (1983). *Iran Today* (A. A. Saiedi, Trans.). Zovar Publication. [In Persian].
- Polak, J. E. (1989). *Polak's travel book (Iran and Iranians)*. (K. Jahandari, Trans.). Kharazmi Publication. [In Persian].
- Qanbari, Z., & Khazaei. S. (2021). An analysis of the factors affecting hunting, its goals and